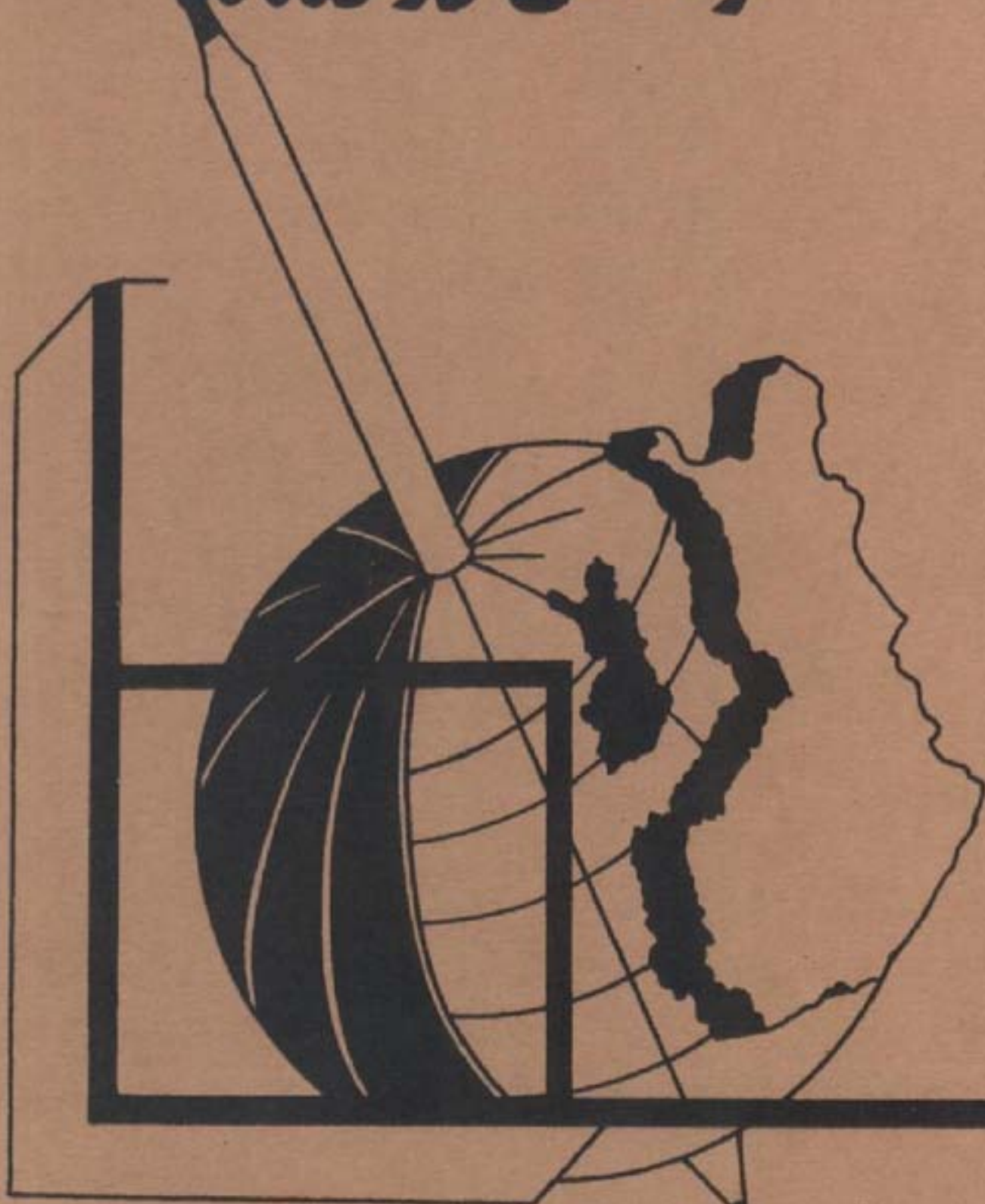


سیاست گذاری فرهنگی در فنلاند



ترجمه: پروانه سپرده

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست گذاری فرهنگی در فنلاند

ترجمه:
پروانه سپرده

منبع این ترجمه، سایت اینترنتی باعنوان
Cultural Policies in Europe "a Compendium of Basic Facts and Trends"
به آدرس زیر است:
<http://www.culturalpolicies.net>



مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات

سیاست‌گذاری فرهنگی در فنلاند

ترجمه: پروانه سپرده

نوبت انتشار: اول، ۱۳۸۰

شماره نشر: ۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ ریال

ISBN: 964-5933-54-4

شابک: ۹۶۲-۵۹۳۳-۵۲-۲

نشانی ناشر: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر، خیابان دمشق، شماره ۱۱،

مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تلفن و دورنگار: ۸۹۰ ۱۲۹۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	سخن ناشر
۱.....	۱- چشم انداز تاریخی: سیاست‌گذاریها و ابزارهای فرهنگی
۳.....	۲- صلاحیت، تصمیم‌گیری و اجرا
۸.....	۳- اهداف و اصول کلی سیاست‌گذاری فرهنگی
۱۲.....	۴- مسائل جاری مربوط به توسعه سیاست‌گذاری فرهنگی و مذاکرات پارلمانی
۱۸.....	۵- مواد اصلی قانون در حوزه فرهنگی
۲۷.....	۶- تأمین بودجه فرهنگی
۳۴.....	۷- مؤسسات فرهنگی و مشارکتهای جدید
۳۵.....	۸- حمایت از خلاقیت

سخن ناشر

«سیاست‌گذاری فرهنگی در فنلاند» نخستین عنوان از مجموعه نوشته‌ای است که در خصوص تجربیات سیاست‌گذاری فرهنگی کشورهای مختلف جهان ترجمه و ارائه شده است.

این مجموعه بر آن است تا با ارائه دیدی ساختاری، نظام‌مند و عینی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورهای صاحب فرهنگ ملی و تجربه برنامه ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی را معرفی نموده و از این بستر، زمینه آشنایی مدیران، کارگزاران و برنامه ریزان فرهنگی کشورمان را با ساز و کارهای سیاست فرهنگی سایر کشورها فراهم آورد.

نگاه تطبیقی و شناخت دیگر مدلها، قاعدتاً بایستی منجر به ارائه راهکارهای کارآمدتر و خردگراتر از سوی مدیران و برنامه ریزانی گردد که بر اهمیت فرهنگ به عنوان زیربنای توسعه پایدار اتفاق نظر دارند.

امید است این مجموعه بتواند به مثابه نخستین قدم روشنی‌هایی بر چگونگی و شیوه‌های برنامه ریزی و سیاست‌گذاری سایر کشورها بتابد و سیاست‌گذاران را مفید فایده افتد.

سیاست‌گذاریها و ابزارهای فرهنگی فنلاند

- ۱- چشم‌انداز تاریخی: سیاست‌گذاریها و ابزارهای فرهنگی
شکل‌گیری سیاست‌گذاری فرهنگی فنلاند در سطح ملی - از اواسط قرن نوزدهم تا اواخر قرن بیستم - را می‌توان تقریباً در سه مرحله تقسیم‌بندی نمود:
 - ۱- دوره حمایت دولتی از دهه ۱۸۶۰ تا دهه ۱۹۶۰.
 - ۲- آغاز [دوره] رفاه اجتماعی و مشخص شدن اهداف شفاف مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰.
 - ۳- فرارفتن از رفاه اجتماعی در اوایل دهه ۱۹۹۰، که رکود شدید اقتصادی سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۳ موجب تعلیق آن گردید.

چهار عامل موجب شکل‌گیری این توسعه شد:

- ۱- جنبشهای شهری
 - ۲- دولت
 - ۳- شهرداریها (خودفرمایی محلی)
 - ۴- صنایع فرهنگی
- جنبشهای شهری از ابزارهای اصلی توسعه هویت ملی در دوره تسلط روسها (۱۸۰۹-۱۹۱۷) بود. در همان زمان، دولت (مجلس سنا، بدنه اجرایی حکومت ملی در دوک‌نشین خودمختار فنلاند) به یک دولت اعانه‌دهنده مبدل شد و در نتیجه

تقویت هنرها و زندگی فرهنگی شکل حمایتی یافت. بنیادهای موجود در موسیقی، ادبیات، هنرهای نمایشی و تصویری در این دوره بوجود آمد. ایجاد نظام آموزش عمومی که توسط اهالی محله‌ها و شهرداریها اداره می‌شد، زمینه مشارکت فعال شهروندان را در زندگی فرهنگی فراهم نمود.

اگرچه تحولات سیاسی‌ای که بعد از جنگ جهانی اول به استقلال انجامید، جنگ شهری کوتاهی را در سال‌های ۱۸-۱۹۱۷ شامل می‌شد که جنبش شهری را به دو اردوگاه تقسیم کرد. اما ایده‌های اساسی مربوط به تنویر افکار و وحدت فرهنگ ملی (دو زبانه) زیر سؤال نرفت. دولت ملی جدید، وظایف مجلس سنا را در مورد حمایت از هنرها و زندگی فرهنگی به عهده گرفت. مسأله حمایت از هنرها از طریق کمیته‌های تخصصی تضمین شد. این کمیته‌ها در سال ۱۹۱۸ ایجاد شدند و اولین مجموعه‌های سبک فنلاندی - با بازوان گشوده - بودند.

وظیفه حمایت از آموزش بزرگسالان و کتابخانه‌ها که برعهده سازمانهای مدنی بود به تدریج به دولت واگذار شد. در این جریان، ستون اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی فنلاند شکل گرفت؛ و آن مسؤولیت مشترک حکومت و دولتهای محلی (استانداریها) در حمایت از هنرها و زندگی فرهنگی بود.

به موازات فرهنگ مترقی ادیبانه، صنایع فرهنگی پدید آمده و جایگاه خود را به دست آوردند. بنگاه خبری فنلاند (FBC) در سال ۱۹۲۶ تأسیس شد.

پس از آنکه فنلاند، در دهه ۱۹۶۰، آغاز به تعقیب سیاست رفاه اجتماعی از نوع شمال اروپا (وابسته به سوئد و نروژ و دانمارک و فنلاند) نمود، مبنای مالی حمایت از هنرها و شبکه‌های خدمات و مؤسسات فرهنگی، به‌طور قانونی، تضمین شد. این روند از شکل‌گیری سوسیالیزم دولتی در زندگی فرهنگی فنلاند دقیقاً تا دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت. در دهه ۱۹۷۰ و تا پایان دهه ۱۹۸۰ مؤسسات آموزش عالی رشته‌های هنری بخشی از نظام بودجه‌ای دولت را به خود اختصاص دادند و به این ترتیب موقعیت دانشگاههای دولتی تضمین شد. در آغاز دهه ۱۹۹۰، تأمین بودجه موزه‌ها،

تاثیرها و ارکسترها از طریق سیستم قانونی سوبسید دولتی صورت می‌گرفت. البته دولت براساس احتیاط برای آنها بودجه نیز در نظر می‌گرفت.

رکود عمیق اقتصادی سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۳ و اصلاحات عمومی ادازی که به دنبال آن صورت گرفت، نیز بر سیاستهای فرهنگی تأثیر گذاشت. کناره‌گیری تدریجی و تقریباً غیرمحسوس دولت [از ارائه کمک]، تأکید بر حسابرسی و شاخص‌های اجرایی و نیاز به وجود مؤسسات فرهنگی‌ای که در قبال عملیات اجرایی خود، بیشتر پاسخگو باشند، در سیاست‌سازی فرهنگی بیان شده است. توسعه مشابهی در رسانه‌ها اتفاق افتاد. آزادی‌گرایی و بی‌نظمی سیستم‌های هنری و مخابراتی از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود. عضویت فنلاند در EU مبداء تاریخی جدیدی در زندگی فرهنگی منطقه‌ای و محلی بود. نوع جدیدی از مشارکت بوجود آمد و زمینه همکاری میان بخشی فراهم شد که از جهتی مرهون ساختار تأمین بودجه مربوط به سرمایه‌های زیربنایی EU بود.

این نگاه کلی تاریخی، ابزارهای اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی فنلاند را نشان می‌دهد: مالکیت عمومی و مسئولیت مالی مشترک دولت و شهرداریها. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ گرایش به سوی کناره‌گیری دولت از بخش فرهنگ و به‌سوی اشکال جدید مشارکت بوجود آمد.

۲- صلاحیت، تصمیم‌گیری و اجرا

۲-۱- ساختار سازمانی (نمودار سازمانی)

نمودار سازمانی زیر طرح کلی تصمیم‌گیری و مدیریت را در سیاست فرهنگی ارائه می‌کند. قدرت اجرایی اصلی در دست شورای دولتی است، که قانونگذاری و روشهای جدید مدیریت دولت مرکزی را بنیان نهاد. در این سطح بالای اجرایی هیچگونه واحد مشورتی در مورد سیاست‌گذاری فرهنگی وجود ندارد. مسئولیت اصلی اجرایی با وزارت آموزش، از طریق وزیر دوم یعنی وزیر فرهنگ است، که

ضمناً مسؤولیت ورزش و امور جوانان را برعهده دارد. تغییرات اخیر سازمانی، این سه بخش را در درون طرح سیاست فرهنگی یکپارچه نمود و مطابق با آن، مدیریت شکل گرفت.

شورای هنرهای فنلاند (شورای مرکزی هنر و نه هنری که شورا را تشکیل می‌دهند) به صورت مجموعه‌ای با بازوان گشوده عمل می‌کند و وظیفه اصلی‌اش مدیریت سیستم [اعطای] امتیاز به هنرمندان است.

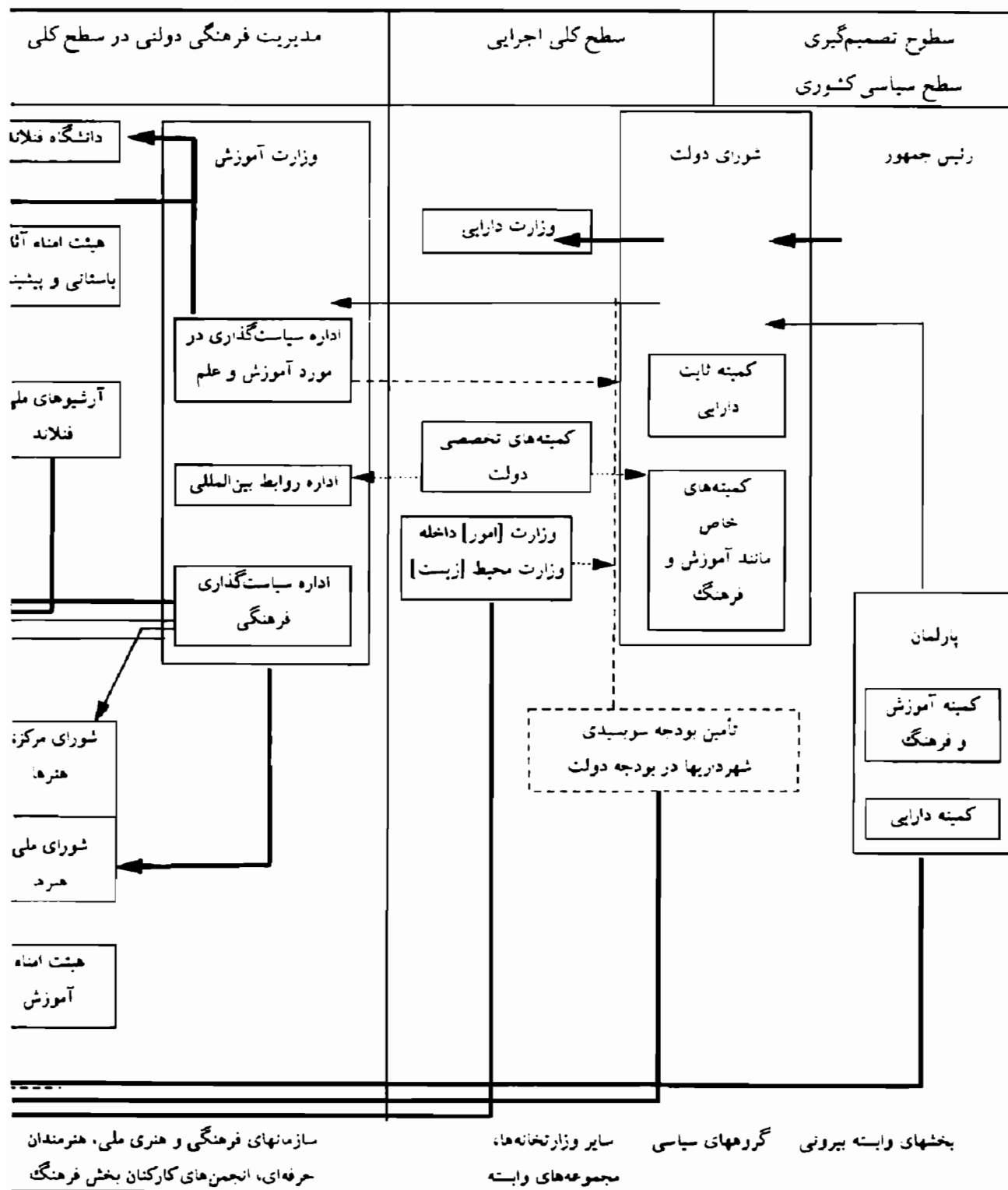
هیئت امناء آثار باستانی و پیشینه‌ها مسؤولیت بخش میراث و موزه‌ها را برعهده دارد و بنیاد فیلم فنلاند مسؤول حمایت از تولید و توزیع فیلم است.

تغییرات اخیر در ساختار یارانه‌ای موزه‌ها، ارکسترها و تئاتر، که این یارانه‌ها را (همانند سوبسیدهای کتابخانه‌های عمومی و آموزش بزرگسالان) به صورت قانونی درآورد و نیز سایر اصلاحات اجرایی، موجب کاهش بوروکراسی در وزارتخانه گردیده و در نتیجه این قدرت را برای وزارتخانه ایجاد نموده است که هرچه بیشتر بر برنامه‌ریزی راهبردی متمرکز شود.

وزارت دارایی، خطوط کلی برنامه‌ریزی اقتصادی را برای کلیه وزارتخانه‌ها ارایه نموده و پیش‌نویس طرح پیشنهادی بودجه سالانه را برای پارلمان - که قدرت نهایی بودجه‌ای را در دست دارد - تهیه می‌کند. در این جریان، کمیته‌های پارلمانی نقش مهمی را به عهده دارند. کمیته آموزش و فرهنگ به مسایل سیاست‌گذاری فرهنگی می‌پردازد. اما کمیته فرعی فرهنگ که مربوط به کمیته قدرتمند بودجه می‌شود، محدودیتهای مالی تخصیص بودجه و اصلاحات قانونی را ارایه می‌کند. قبلاً خط اصلی و ویژه تخصیص اعتبار که از جانب مجلس برای پروژه‌های فرهنگی ارایه می‌شد، بر سیاستهای فرهنگی اثرگذار بود. اما اکنون این تخصیص‌ها به ندرت حائز اهمیت است. فنلاند از سیستم وسیع خودمختاری محلی برخوردار است و شهرداریها حقوق مالیاتی خود را دارند. دولت (حکومت مرکزی) وظیفه دارد نابرابریهای موجود در قوانین فرهنگی را از طریق سوبسیدهای قانونی متعادل سازد.

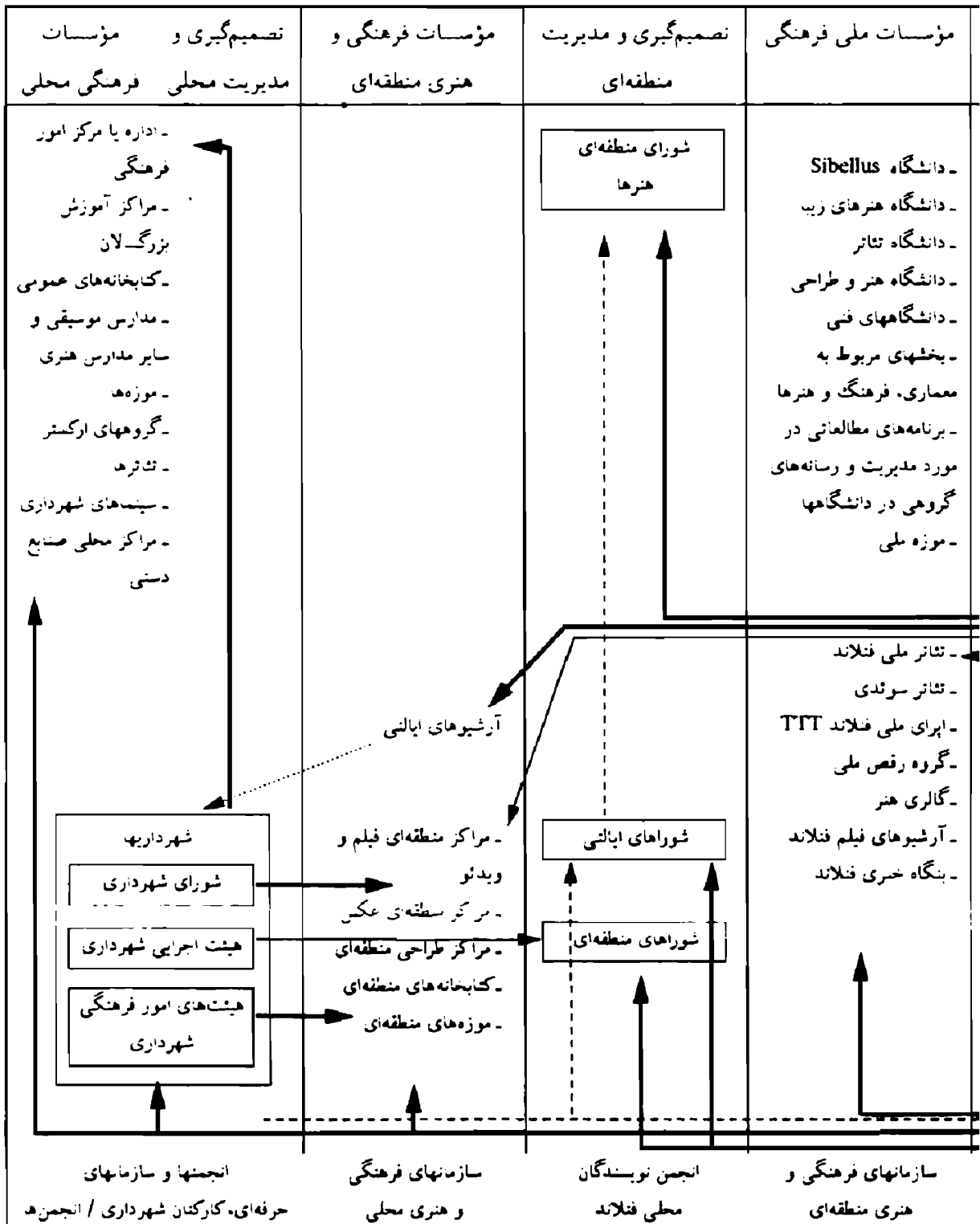
تصمیم‌گیرهای مربوط به سیاست فرهنگی در سطح شهری، اساساً در اختیار انجمن شهرداری (که به صورت گروهی انتخاب می‌شود) است. هیئت اجرایی (که نشاندهنده تقسیمات گروهی در داخل انجمن است) و کارکنان اجرایی تحت ریاست شهردار قرار دارند. در دهه ۱۹۸۰، به لحاظ مدیریت بخشی و مجموعه‌های تخصصی، این گرایش بوجود آمد که تمام امور فرهنگی (تئاتر، موسیقی، هنرهای آماتور و غیره) در یک مجموعه تخصصی، تحت عنوان «شورای فرهنگ» یکپارچه شوند. در دهه ۱۹۹۰ گرایش معکوس بوجود آمد و امور فرهنگی به طور فزاینده‌ای تابع تشکیلات وسیع‌تر (بخش‌های اوقات فراغت، توریسم و غیره) قرار گرفت.

سیاست فرهنگی، تصمیم‌گیری و مدیریت در فدراسیون فنلاند



- قوانین و / یا کارکرد اجرایی مشترک - روابط و / یا بودجه قانونی فرعی (تبعی) - کمک مالی

(به لحاظ سلسله مراتب از راست به چپ)



-----> پرسنل و / با مدیریت، ترویج و نظارت

← سرپیدها، اعانات

۲-۲- توصیف کلی سیستم

مدیریت عمومی فنلاند بر دو محور استوار است: دولت و شهرداریها. هیچگونه مدیریت مستقل منطقه‌ای با اعضای انتخابی وجود ندارد. شوراهای ایالتی امتداد دولت مرکزی‌اند. اعضای این شوراها اخیراً از ۱۱ نفر به ۵ نفر کاهش یافته و بسیاری از کارکردهای آنها به نمایندگیهای تخصصی منطقه‌ای که توسط دولت اداره می‌شود، انتقال یافته است. همزمان شوراهای منطقه‌ای (۱۹ شورا) که وابسته به شهرداریها هستند، نقش بیشتری را در توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی به عهده گرفته‌اند، زیرا مسئولیت برنامه‌ریزی و اداره برنامه‌هایی که در چهارچوب برنامه‌های EU تأمین بودجه می‌شوند، به آنها واگذار شده است.

۲-۳- همکاری میان‌بخشی یا درون دولتی

مسأله همکاری میان‌بخشی در اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد بحث قرار گرفت، اما به‌طور کلی هرگز درک روشنی از این مفهوم حاصل نشد، تا چه رسد به اینکه این امر در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی تحقق یابد. تصمیم‌گیری در مورد سیاست فرهنگی بر محور وزارت آموزش و فرهنگ متمرکز است، اما به وزارت صنایع هم ارتباط پیدا می‌کند (مثلاً SMEs در بخش فرهنگی)، به وزارت ترابری و ارتباطات (مثلاً در مورد رسانه‌ها، تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی)، به وزارت دادگستری (حق مؤلف و سایر مسائل مربوط به حقوق مادی و معنوی) و به وزارت کار (مشاغل عمومی، پروژه‌های سازندگی و سیاستهای استخدامی) نیز مرتبط می‌شود. این نمایندگیها در سال ۱۹۹۴ حدود ۳۰۰ میلیون مارک را صرف امور فرهنگی نمودند، در حالیکه بودجه فرهنگی وزارت آموزش و فرهنگ به ۳ میلیارد مارک بالغ می‌شد (مطابق با تعریف محدود از فرهنگ، بخش ۲-۳ را ببینید).

۳- اهداف و اصول کلی سیاست‌گذاری فرهنگی

۳-۱- عناصر اصلی الگوی جاری سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح ملی

الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی فنلاند، چنانکه ویژگیهای تاریخی و اجرایی آن را در بالا توصیف کردیم، اولین و بهترین مدلی است که در آن شماری از مجموعه‌های تخصصی نظر مشورتی خود را در اختیار وزارتخانه قرار می‌دهند. این مجموعه‌ها تا حدودی از قدرت تصمیم‌گیری مستقل برخوردارند. الگوی فنلاند - با بازوان گشوده - از یکپارچگی بسیار بالایی برخوردار است. سازمانهای حرفه‌ای و اتحادیه‌های صنفی هنرمندان نقش مهمی را در تنظیم و اجرای سیاستهای مربوط به هنرمندان و نیز در تعیین بودجه پروژه‌ها ایفا می‌کنند. این الگو همچنین در مدیریت مؤسسات مربوط به حق چاپ و نقشی که این مؤسسات ایفا می‌کنند، بازتاب دارد. در فنلاند الگوی ویژه‌ای در مورد سیستم مربوط به حق چاپ وجود دارد - برخی از آنها کاملاً جمعی است - مثلاً جبران خسارتهای نویسندگان از طریق کتابخانه‌ها [با خرید کتاب از آنها] و جبران خسارتهای مربوط به هنرمندان [هنرهای بصری]. سیاست فرهنگی فنلاند به‌طور سنتی جنبه آموزشی دارد، نوعی الگوی سیاست‌گذاری بر مبنای روشن‌نگری است. در این الگو، فعالیت اجتماعی - فرهنگی، شبکه کتابخانه‌های عمومی و مراکز مربوط به آموزش بزرگسالان نقش بسیار مهمی را در آموزش شهروندان و توسعه دستیابی آنها به دنیای یادگیری و ادبیات و هنر ایفا می‌کنند.

دولت و شهرداریها مسئولیت مشترک تأمین بودجه را برعهده دارند. دولت مؤسسات ملی را تحت نظر دارد. اما ضمناً برای تأمین بودجه لازم جهت دسترسی عامه مردم - در وسیع‌ترین سطح ممکن - به هنر و خدمات فرهنگی با شهرداریها همکاری می‌کند. این کار از طریق سیستم سوبسیدهای قانونی صورت می‌گیرد، که بودجه اصلی کتابخانه‌های عمومی، آموزش بزرگسالان، موزه‌ها، تئاترها و گروههای ارکستر شهرداریها را تضمین می‌کند. اخیراً آموزش هنرهای عمومی نیز مشمول سیستم سوبسید قانونی دولت گردیده و این مسئولیت مشترک [تأمین بودجه] را از

بعد مهم و جدیدی برخوردار ساخته است. نظیر چنین سیستم سوبسید دولتی موزه‌های خاص و گروه‌های تئاتر را تحت پوشش قرار داده و بودجه دیگری نیز به مؤسساتی با کارکردهای منطقه‌ای اختصاص یافته است.

الگوی فنلاند سه ویژگی منحصر به فرد دارد؛ هرچند که در حال حاضر تحت فشارهایی در شرف تغییر است. ویژگی نخست آن است که بر مالکیت عمومی و بودجه عمومی، و به ویژه بر قانونگذاری ای متکی است که تخصیص بودجه عمومی برای هنر و موضوعات فرهنگی را به عهده دارد. این امر نشان می‌دهد معیارهایی که برای این تخصیص اعتبار به کار گرفته می‌شوند، تنها از طریق قانونی که به تصویب پارلمان رسیده باشد، قابل تغییرند. اخیراً فرآیندهای عمومی در جهت زدودن سوسیالیسم دولتی (که علاوه بر عقد قراردادهای اجرایی و ساده سازی برنامه بودجه، انتخاب نمایندگانی از نیروهای دولت در شهرداریها را شامل می‌شود) می‌رود تا این نظام دقیق قانونگذاری را تضعیف نماید. ویژگی دوم، نقش محوری «وجوه اختصاصی» (از محل درآمد Veikkaus oy، شرکت لاتاری با مالکیت دولت، لوتو^(۱) و شرط بندیهای ورزشی) در تأمین بودجه هنرها و زندگی فرهنگی - نیز ورزش‌ها، دانش و کار جوانان - است. در طول رکود اخیر این وجوه غیر ثابت برای تأمین بودجه سیستم سوبسید قانونی دولتی به کار گرفته شد، لذا بودجه کمتری به پروژه‌ها اختصاص یافت. به نظر می‌رسد لاتاری خارجی و شرکتهای شرط بندی، به ویژه آنهایی که از اینترنت به عنوان وسیله ارتباطی استفاده می‌کنند، به زودی درآمدهای حاصل از Veikkaus oy را تا حدودی کاهش خواهند داد، اینکه این کاهش به چه میزان خواهد بود و چه عواقبی را خواهد داشت، هنوز مشخص نیست.

ویژگی سوم اینکه در الگوی فنلاند، نقش مناطق هرگز در درون سیاست سازی

۱- لوتو: نوعی بازی که بازیکنان هر یک کارتی که اعدادی بر روی آن نوشته شده است برمی دارند و بکسر اعدادی را از کبسه بیرون آورده و می‌خوانند و هرکس یک ردیف پنج شماره‌ای را پر کرد، برنده محسوب می‌شود.

فرهنگی حل نشده است. سیستم شورای هنرها، از همان آغاز، با ایجاد سیستم شوراهای منطقه‌ای هنر (۱۱ شورا) تا دل مناطق گسترش یافت. اما این یازده شورا به عنوان بخشی از مدیریت دولتی (وزارت آموزش و فرهنگ و شوراهای ایالتی) باقی ماندند. در درون سیستم مؤسسات فرهنگی که بودجه آنها مشترکاً توسط دولت و شهرداریها تأمین می‌شود، برخی از آنها (موزه‌های تاریخی و هنری منطقه‌ای، هنرهای نمایشی منطقه‌ای) موقعیت مؤسسات منطقه‌ای را دارند و به آنها سوبسیدهای اضافی برای کارکردهای منطقه‌ای اعطا می‌شود. البته این سیستم هیچگاه حقیقتاً منطقه‌ای نبوده است. ۱۹ شورای منطقه‌ای که توسط شهرداریها شکل گرفته (و به واسطه عضویت در ELA تقویت شده) است، برخی از وظایف مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه‌ها را - حتی در زمینه فرهنگ - به عهده گرفته‌اند، اما نقش عملی آنها در سرعت بخشیدن به توسعه فرهنگی در مناطق، جنبه حاشیه‌ای دارد.

۲-۳- تعریف ملی فرهنگ

در سیاست فرهنگی فنلاند هیچگونه تعریف ملی از فرهنگ وجود ندارد، البته اینکه چنین تعریفی در جای دیگری از دنیا وجود داشته باشد، نیز مورد تردید است. در بالا اشاره کردیم که در سیستم سیاست‌گذاری فرهنگی فنلاند، فرهنگ ممکن است در مفهوم وسیع‌تر یا محدودتر به کار گرفته شود. در محدودترین مفهوم، فرهنگ دربرگیرنده هنرها، به معنای هنرهای خلاق و نمایشی و آثار هنرمندان منفرد است. این همان قلمرو سیاست [فرهنگی] مربوط به شوراهای هنری است. در مفهوم گسترده‌تر، فرهنگ دربرگیرنده مؤسسات فرهنگی و هنری در زمینه هنرهای خلاق و نمایشی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، میراث فرهنگی، آموزش هنری و همکاریهای فرهنگی در سطح بین‌المللی است. این همان قلمرو وزارت آموزش و فرهنگ و بخش آثار باستانی و پیشینه‌های ملی است. فرهنگ در مفهوم بازهم وسیع‌تر شامل صنایع

فرهنگی و رسانه‌هاست و این صنایع و رسانه‌ها قلمروهای بنیاد فیلم فنلاند، صنایع فرهنگی خصوصی، مطبوعات و خبرگزاریهای دولتی و خصوصی را تشکیل می‌دهند. تعاریف دیگر فرهنگ همچنین دربرگیرنده آموزش بزرگسالان و فعالیتهای اجتماعی - فرهنگی، ورزش‌ها و کار جوانان است. گسترده‌ترین تعریف فرهنگ، غالباً زمانی به کار گرفته می‌شود که بحث مربوط به اثرات اشتغال‌زایی فرهنگ، حتی در مورد مشاغل غیرفرهنگی در رسانه‌ها و صنایع فرهنگی، حرفه‌های مهارتی، توریسم فرهنگی و یا حتی در تبلیغات مطرح است.

۳-۳. آیا اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی نشاندهنده اصول شورای اروپاست؟

همچنانکه نشان دادیم، تقویت هویت اساس سیاست فرهنگی فنلاند در طول این قرن بوده است. رشد خلاقیت هنری نیز یکی از اهداف اصلی سیاست فرهنگی فنلاند است؛ که در کوشش دولت برای حمایت از هنرمندان و بهبود شرایط اقتصادی آنها در بازار از طریق سیستم اعانه و مقرری دولتی متجلی است. مسئولیت مشترک دولت و شهرداریها در ایجاد، تأمین بودجه و حفظ سیستم جامع منطقه‌ای در مورد خدمات فرهنگی به خوبی نشاندهنده تلاشی است که برای گسترش مشارکت در زندگی فرهنگی صورت گرفته است. این واقعیت که شهرداریها نقش اصلی را در ایجاد این خدمات دارند، نشانه‌ای از عدم تمرکز است. هرچند تا اصلاحات سیستم قانونی سوبسیدهای دولت در سال ۱۹۹۳، دولت کنترل شدید و غالباً دقیقی را بر نحوه اداره این مؤسسات داشت، اما با اصلاح این مؤسسات، واگذاری سوبسیدها بر حساب هزینه‌ها مبتنی شد و شهرداریها آزادی بیشتری را در مصرف این سوبسیدها به دست آوردند. بنابراین این اصلاحات را می‌توان مبین عدم تمرکز حقیقی تلقی نمود. این اصلاحات فقط به زندگی فرهنگی محدود نشد و تمام خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و غیره) را در سطح محلی دربرگرفت.

حمایت از اقلیتها، شامل سوئدی زبان‌ها، ساموایی‌ها، یونانی زبانها یا قبطی‌ها

یکی از آرمانهای اختلاف فرهنگی است. مواردی که در بالا فهرست شد تفسیر تقریباً واقع‌گرایانه‌ای است در مورد اینکه چگونه سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی فنلاند منعکس‌کننده تمام اصول اساسی سیاست فرهنگی شورای اروپاست. اصول شورای اروپا شامل تقویت هویت، خلاقیت، تکرر و مشارکت در زندگی فرهنگی است.

۴- مسائل جاری مربوط به توسعه سیاست‌گذاری فرهنگی و مذاکرات پارلمانی

۴-۱- اولویتهای سیاست فرهنگی در ۵ سال گذشته

در سال ۱۹۹۳، سیاست فرهنگی براساس گزارشی که آن را دولت بنا به تقاضای مجلس، به‌ویژه کمیته آموزش و فرهنگ مجلس، تهیه کرده بود، به بحث گذاشته شد. در این گزارش، اهداف سیاست فرهنگی دولت به صورت زیر فهرست شده است:

- توسعه بیشتر در ساختار و محتوای سیاست ملی فرهنگی و قانونگذاری مرتبط با آن در محیطی که به‌طور فزاینده‌ای در حال جهانی شدن است.
- حمایت از خلاقیت‌ها، ایجاد و حفظ شرایط لازم برای کارکرد مؤثر مؤسسات ملی فرهنگی و توسعه بیشتر سیستم آموزش عالی در رشته‌های هنری.
- تشویق تفاهم میان فرهنگهای مختلف و سیستم‌های ارزشی آنها از طریق آموزش عمومی
- تشویق گویشهای مختلف و توجه به نیازهای فرهنگی گروههای خاص و اقلیتهای فرهنگی
- تشویق همکاری میان مقامات مسئول، نمایندگیهای بخش غیرانتفاعی و خصوصی
- تشویق توسعه پایدار اکولوژیک از نظر محیط طبیعی و انسان ساخته
- مسائل جدید در موارد ذکر شده در بالا، مربوط به مشارکت [بخش] عمومی،

خصوصی، غیرانتفاعی و رابطه بین فرهنگ و توسعه پایدار است. در اسناد متعاقب برنامه ریزی و در برنامه های دو دولت بعد این موضوعات بهیچوجه نشان داده نشده است. مورد سوم [در فهرست بالا] که به توسعه فنلاند به سوی جامعه اطلاعاتی «با فرهنگ» و «روشنفکر» مربوط می شود به شکل برجسته تری در دستور کار قرار گرفته است. در این مورد، وزارت آموزش (و فرهنگ) دو لایحه در مورد سیاستهای استراتژیک تهیه نمود: «استراتژی اطلاعات در مورد آموزش و پرورش» در سال ۱۹۹۵ و گزارشی در باب «جامعه اطلاعاتی با جهت گیری فرهنگی» در سال ۱۹۹۵. وزارتخانه سالیانه بودجه ویژه ای در حدود ۲۵۰ میلیون FIM برای اجرای این استراتژیها تخصیص می دهد، علاوه بر آن بودجه اضافی ای - از محل بودجه رسمی - نیز در نظر گرفته می شود.

رکود سالهای ۹۳-۱۹۹۱ بحث مربوط به سهم فرهنگ، به ویژه سهم صنایع فرهنگی، در توسعه اقتصادی و اشتغال را مطرح نمود. در سال ۱۹۹۷ گروه ویژه ای تشکیل شد تا وضعیت جاری صنایع فرهنگی فنلاند را ترسیم نموده و خطوط جدیدی را برای توسعه آنها ارایه نماید. با تدارک عقد قراردادهای اجرایی و بودجه خالص، مسأله کارآیی مدیریت فرهنگ و مؤسسات فرهنگی و هنری ملی مطرح شد. بحث درباره این مسأله، همچنین با مشارکت فنلاند در مطالعات متقاطع شورای اروپا در سالهای ۹۹-۱۹۹۸ تقویت گردید. در این زمینه، وزارتخانه ابتکار تهیه برنامه های توسعه ای برای اشکال هنری مرتبط با صنایع فرهنگی را به دست گرفت. یکی از آنها مربوط به معماری بود که در سال ۱۹۹۸ پایان یافت. یکی از برنامه ها نیز مربوط به هنر و طراحی صنعتی بود که در سال ۱۹۹۹ به پایان رسید. وزارتخانه برنامه اخیر را براساس نیاز برنامه سال ۱۹۹۵ دولت ائتلافی دموکرات - از دو حزب سوسیالیست و محافظه کار - تهیه نمود.

بودجه پیشنهادی وزارت آموزش در سال ۱۹۹۸، جهت گیری سیاست حاضر و عملیاتی بودن اولویتهای سیاست فرهنگی را نشان می دهد.

و جوه ویژه‌ای برای موارد زیر اختصاص یافت:

- طرح جامعه اطلاعاتی
- مؤسسات فرهنگی و سایر فعالیتهای فرهنگی غیرسازمان‌یافته
- جبران خسارتهای مؤلفین و سایر دارندگان حق چاپ به ازای استفاده آزاد از نوشته‌های آنان در کتابخانه‌های عمومی
- موزه‌های خاص (موزه Alvar Alto، موزه تئاتر، موزه عکس، موزه هتل و رستوران)
- احیا و بازسازی موزه ملی تاریخی و ایجاد موزه‌های جدید فرهنگی

۲-۴- مسایل و مباحث سیاست‌گذاری اخیر

۲-۴-۱- عدم تمرکز در مقابل تمرکز

در سیاست‌گذاری فرهنگی فنلاند تمایل مشخصی به سوی عدم تمرکز و زدودن سوسیالیسم دولتی به چشم می‌خورد. این مسأله در متریقی بودن نظام قانونی سوبسید دولتی مربوط به شهرداریها و مؤسسات فرهنگی، در قراردادهای اجرایی و در برنامه بودجه خالص دولت بازتاب دارد. اگر از نقطه نظر دموکراسی پیشرفته به موضوع بنگریم، احتمالاً به گرایش مهم‌تری در رابطه با عضویت فنلاند در EU و تأمین بودجه پروژه‌های منطقه‌ای و محلی از محل طرح سرمایه‌گذاریهای ساختاری EU پی خواهیم برد. در سطح اجرایی، این توسعه نقش شوراهای منطقه‌ای را (که عملاً انجمنهای وابسته به شهرداریها هستند) افزایش داده است و این امر موجب آزاد شدن انرژی فرهنگی در سطح محلی - در شکل پروژه‌ها و نوآوریهای جدید - گردیده است. نیز موجب رکود نوآوریهای مستقل منطقه‌ای و محلی در مناطق و نواحی مرزی - مانند استان خودمختار لینگراد، نواحی بالتیک و مناطق دریای Barents - شده است.

۲-۲-۴. اشکال جدید همکاری‌های بین‌المللی

با وجود آنکه بخش روابط بین‌المللی وزارت آموزش از اهمیت شبکه‌ها و تحرک هنرمندان منفرد آگاهی دارد، بیشترین مبلغ بودجه در راستای فعالیتهای سنتی چندجنبه‌ای (به‌ویژه در چهارچوب برنامه‌های یونسکو) و برنامه‌های تبادل دوجانبه به کار گرفته می‌شود. شیوه‌های جدید عمل و اندیشه عمدتاً به عضویت فنلاند در EU بستگی دارد.

این امر در برنامه‌های تبادل دانشجو، در شرکت فنلاند در برنامه‌های دیداری - شنیداری EU و در تأمین بودجه مناسب ملی برای پروژه‌هایی که از محل سرمایه‌گذاری ساختاری EU تأمین اعتبار می‌گردند، بازتاب دارد. جهت‌گیری جدید همچنین در طرح مناطق همجوار (که توسط وزارت امور خارجه تأمین بودجه و حمایت می‌شود) و در تأکید بر انواع جدید نوآوری‌های مربوط به همکاری‌های فرهنگی در مناطق دریای بالتیک و دریای برنتز (Barents) منعکس است.

۳-۲-۴. توسعه میراث [فرهنگی]

مسائل عمده میراث [فرهنگی] در اوایل دهه ۱۹۹۰ حفاظت از ساختمانهایی که به لحاظ تاریخی ارزش داشتند، و نیز حفاظت از مناظر شهری و روستایی بود. داغ‌ترین مباحث بر محور امکان واگذاری قدرت تصمیم‌گیری بیشتر در سطح محلی در موضوعات مربوط به برنامه‌ریزی فیزیکی (مطقه‌ای کردن) دور می‌زد. چنین به نظر می‌رسد که در طول رکود سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۱، این مسایل تا حدودی مناسبت خود را از دست داده‌اند و بار دیگر موضوعات سنتی‌تر مربوط به توسعه کارهای حرفه‌ای موزه‌ای و شبکه موزه‌های ملی موضوع بحث قرار گرفته‌اند. نیز به نظر می‌رسد استفاده از بودجه و سایر فرصتهایی که به واسطه عضویت در EU به دست آمده‌اند در اولویت بخش میراث [فرهنگی] قرار دارند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: جدول نمودار فنلاند «سیاستهای میراث فرهنگی در اروپا»

۴-۲-۴- استراتژیهای مربوط به تشویق استخدام در بخش فرهنگی

موضوع استخدام پس از دوره رکود، اوج گرفت، هرچند که گاه قبل از آنکه هیچ اقدامی در بخش فرهنگی صورت بگیرد، این مسأله مطرح می‌شد. وزارت آموزش و فرهنگ، پیش‌نویس استراتژی استخدامی خود را تهیه نمود، اما محور این استراتژی بیشتر بر آموزش استوار بود تا فرهنگ. نتیجه آن گزارشی بود که در تاریخ ۱۹۹۷-۱۹۹۹ در مورد اثرات استخدامی در بخش فرهنگی تهیه گردید.

گروه تحقیق در مورد صنایع فرهنگی (به بالا رجوع کنید) و برخی پروژه‌های منفرد (مانند پروژه مربوط به صنایع موسیقایی که مشترکاً توسط آکادمی موسیقی Sibelius، واحد تحقیقات شورای هنرهای فنلاند و شرکت Culminatum تهیه شد) پیشنهادات بیشتر و ویژه‌ای را جهت توسعه صنایع فرهنگی و آثار استخدامی آن ارائه نمودند. برخی از شهرهای فنلاند، به ویژه هلسینکی، پیش‌نویس برنامه‌های خود را در مورد «صنایع خلاق» به منظور ارتقاء فرصت‌های شغلی در بخش [فرهنگ] ارائه نموده و با سایر شهرهای اروپایی برای توسعه صنایع فرهنگی در شهرها و محله‌های شهری فعالانه همکاری کردند.

۴-۲-۵- مسایل و سیاست‌گذاریهای مربوط به زبان

از زمان استقلال فنلاند، اقلیت سوئدی حقوقی مساوی با فنلاندی‌ها داشته‌اند. مواد قانونی برای استقلال فرهنگی مناطق Sami در سال ۱۹۹۵ از مجلس گذشت. کوششهایی نیز از طریق آموزش مؤثر زبان فنلاندی برای جذب بهتر پناهندگان و سایر مهاجرین در درون جامعه فنلاند به عمل آمده است.

۴-۲-۶- رابطه بین رسانه‌ها و فرهنگ (هویت)

با وجود آنکه اهمیت رسانه‌ها از نقطه نظر هویت ملی اغلب مورد تأکید قرار گرفته است - به ویژه زمانی که بحث جهانی شدن و آثار فرهنگی آن مطرح می‌شود -

مباحث به‌طور فزاینده‌ای بر محور سه مفهوم اصلی می‌چرخد. این سه مفهوم عبارتند از: رسانه‌های جدید، جامعه اطلاعاتی و آثار اقتصادی رسانه‌ها. نکات اصلی این مباحث و سیاست‌های جدید استراتژیک وزارت آموزش و فرهنگ قبلاً در بالا مورد بحث قرار گرفت. آخرین بحث مربوط به دیجیتالی کردن بخش خبر و مستلزمات آن از نظر تولید خبر است. طرح جامعه اطلاعاتی توجه ویژه‌ای را به توسعه ظرفیت تولید مبذول نموده است و گزارش‌های مقدماتی و برنامه عملیاتی آن با عنوان «ظرفیت‌های فنلاند ۲۰۰۲-۲۰۰۰» در اوایل سپتامبر ۱۹۹۹ منتشر شده است.

۷-۲-۴- مسایل مربوط به برابری و سیاست‌گذاریهای فرهنگی

سیاست‌های تعدیل‌کننده در مورد زبان و مسایل اقلیت‌ها قبلاً در بالا مورد بحث قرار گرفت. در مباحث سیاست‌گذاری فرهنگی مسایل مربوط به جنسیت، نقش ناچیزی را ایفا می‌کند. این امر به خاطر این واقعیت است که در فنلاند این چنین تلقی می‌شود که مسایل مربوط به جنسیت به واسطه قانونگذاری جامع و کلی (مانند قانون برابری که در سال ۱۹۹۵ اصلاح شد) حل گردیده است. رویکرد جدید در سیاست‌های مربوط به جنسیت «جهت اصلی» در زمینه هنرها و سیاست‌سازی فرهنگی هرگز مورد بحث قرار نگرفته است.

۸-۲-۴- آموزش هنر، برنامه‌ها و الگوها

مباحث مربوط به آموزش عمومی هنر با قانون سال ۱۹۹۲ در مورد آموزش مقدماتی هنر پایان یافت. طبق قانون مذکور شهرداریها ملزم به سازماندهی آموزش هنری در خارج از چارچوب برنامه تحصیلات رسمی گردیده‌اند و برای این منظور سوبسیدهای قانونی دولتی به شهرداریها و مؤسسات خصوصی اختصاص یافت. در طول دهه ۱۹۹۰ مؤسسات فرهنگی و هنری، برنامه‌های جدید آموزش هنری را در مؤسسات خود آغاز کردند. برنامه‌های آموزشی گالری ملی هنر برای دانش‌آموزان مدارس، نمونه خوبی از این برنامه‌هاست.

۴-۲-۹- صنایع فرهنگی: برنامه‌ها و همکاریهای توسعه‌ای

اسناد سیاست‌گذاری اخیر در مورد صنایع فرهنگی در بخش ۵-۳ شرح داده شد. هنوز اقدامات عملی بسیار کمی برای تشویق توسعه صنایع فرهنگی - جز در بخش فیلم - صورت گرفته است. برای کارهای تحقیقاتی و توسعه‌ای بودجه اختصاص یافته است و مرکز جدیدی با کمک مالی وزارت داخله جهت تشویق توسعه SMEs در حوزه فرهنگی ایجاد گردیده و در چهارچوب وزارت تجارت و بازرگانی و جوهری برای حمایت از SMEs در نظر گرفته شده است، چنین بودجه‌ای برای حوزه فرهنگی نیز تخصیص یافته است.

موافقت‌نامه دیرینی میان بنیاد فیلم فنلاند و شرکت‌های ملی رادیویی و تلویزیونی FBC (شرکت خبری فنلاند) و MTV (شرکت تلویزیونی تجارتي خصوصی فنلاند) - جهت همکاری مشترک برای تأمین بودجه فیلم‌های تلویزیونی وجود دارد.

۴-۲-۱۰- اقلیتهای فرهنگی: مواد ویژه قانونی، هنرهای گروهی

حقوق اقلیتهای ملی (سوئدی زبانها و ساموایی‌ها) براساس قانون اساسی تضمین شده و در قوانین ویژه مورد تصریح قرار گرفته است. به همین جهت، در این زمینه نیاز به فعالیتهای ویژه وجود ندارد، با این وجود برنامه‌های ویژه‌ای برای پناهندگان و سایر گروه‌های مهاجر - در سطح ملی و محلی - آغاز گردیده است.

۵- مواد اصلی قانونی در حوزه فرهنگی

۵-۱- نگاهی به کفایت قانونی

سیاستمداران فنلاندی و خدمتگزاران اجتماعی اغلب این ضرب‌المثل را که از دوره سوئدی‌ها به جا مانده است تکرار می‌کنند «ملت باید براساس قانون ساخته شود». البته این ضرب‌المثل به نظام تشکیلاتی برمی‌گردد، اما ضمناً اصل اساسی سیاستهای اجرایی را دربردارد.

حتی اصلاحاتی که تشکیلات رفاه اجتماعی در فنلاند را مشخص می‌کند، به لحاظ قانونی تضمین شده است و آسانترین راه برای تعیین عناصر اصلی سیاست فرهنگی فنلاند، بررسی مجموعه قوانین و احکام مکتوب مربوط به بخش فرهنگی است.

جدول زیر سیمای کلی قانونگذاری حاضر را نشان می‌دهد. همچنین فهرست قوانین را در برخی حوزه‌های حاشیه‌ای نشان داده و اطلاعاتی را در مورد جهت تغییرات پنج سال اخیر ارائه می‌دهد. این اطلاعات، چنانکه خواهیم دید نشان‌دهنده قبول اصول رفاه اجتماعی و به دنبال آن اصلاحات سال ۱۹۹۳-۱۹۹۱ - که فرارفتن از رفاه اجتماعی بود - است. ما تنها اجزاء اصلی مجموعه قوانین و احکام مکتوب را فهرست نموده‌ایم شماره‌هایی که در جدول آمده است، عیناً مربوط به قوانین و احکام است.

جدول ۱: قوانین جاری مربوط به سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی

قوانینی که تا پایان سال ۱۹۹۳ به اجرا درآمده‌اند	قوانینی که تا پایان سال ۱۹۹۸ به اجرا درآمده‌اند
مدیریت فرهنگی و هنری	
تصویب‌نامه مربوط به وزارت آموزش (۱۳۶/۱۹۹۰، اصلاحی ۲۵۹/۱۹۹۱، ۱۵۴/۱۹۹۲)	تصویب‌نامه وزارت آموزش (۱۶۲/۱۹۹۷، اصلاحی ۸۷۳/۱۹۹۷، ۱۷۰/۱۹۹۳)
اصلاح قانون هنرها (۳۲۸/۱۹۷۲، اصلاحی ۷۱۲/۱۹۹۱)	اصلاحی ۶۳۵/۱۹۹۷
لایحه دایره ملی آثار باستانی و پیشینه‌ها (۳۱/۱۹۷۲، اصلاحی ۱۰۱۶/۱۹۸۷)	
لایحه مربوط به موزه ملی هنر (۱۸۵/۱۹۹۰، اصلاحی ۳۸۹/۱۹۹۱)	

لایحه آرشیه های فیلم فنلاند (۱۹۷۸/۸۹۱)، اصلاحی ۱۹۸۹/۵۹۰	
لایحه مربوط به دایره آموزش ملی (۹۱/۱۸۲)	اصلاحی ۱۹۹۸/۶۴۱
لایحه مربوط به کتابخانه نابینایان (۷۸/۱۱)	قانون مربوط به کتابخانه نابینایان (۱۹۹۶/۶۳۸)، اصلاحی ۱۹۹۸/۸۳۵
بودجه امور هنری، توسعه هنرها و خلاقیت	
لایحه مربوط به امتیازات هنرمندان (۱۹۶۹/۷۳۴)	اصلاحی ۱۹۹۵/۱۴۳
لایحه مربوط به امتیازات و سوبسیدهای نویسندگان و مترجمان (۱۹۶۱/۲۳۶)، اصلاحی ۱۹۸۳/۱۰۸۰، ۶۴ ۱۹۹۳/۱۰۶۷، ۱۰۶۴	اصلاحی ۱۹۹۴/۱۲۷۲، ۱۹۹۵/۱۳۵۸، ۱۱۹۶/۱۰۴۰
لایحه مربوط به تعهدات دولت در مورد نمایشگاههای هنری (۱۹۸۶/۴۱۱)، اصلاحی ۱۹۹۱/۶۳۹	اصلاحی ۱۹۹۴/۳۳۶، ۱۹۹۷/۳۹۰
لایحه مربوط به تأمین بودجه آموزش و فرهنگ (۱۹۹۳/۷۰۵)، اصلاحی ۱۹۹۲/۱۶۸۰، ۱۹۹۳/۷۱۸، ۱۹۹۳/۱۴۵۴	مواد اصلاحی متعدد در فاصله سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸ لایحه مربوط به تأمین بودجه آموزش و فرهنگ (۱۹۹۸/۶۳۵)، اصلاحی ۱۹۹۹/۱۱۸۶، تأکید در اول ژانویه (۱۹۹۹)
لایحه سوبسیدهای دولتی مربوط به شهرداریها ۱۹۹۳/۶۸۱، اصلاحی ۱۹۹۳/۱۳۱۳	مواد اصلاحی متعدد در ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ قانون سوبسیدهای دولتی مربوط به شهرداریها (۱۹۹۶/۱۱۴۷) اصلاحی ۱۹۹۷/۱۱۰۲، ۱۹۹۸/۱۰۶۱، ۱۱۲۶/ (۱۹۹۸)
اساسنامه مربوط به استفاده از درآمد حاصل از لاتاری، لوتر و مسابقات فوتبال (۱۹۸۲/۷۳۵)	
مالیات	
لایحه مربوط به مالیات ارزش افزوده	مواد اصلاحی متعدد بعد از سال ۱۹۹۳

	حقوق مربوط به چاپ و مناطق مرزی
مواد اصلاحی متعدد بین سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۸ از تصویب گذشت، ۲۵۰/۱۹۹۸ و ۷۴۸/۱۹۹۸	لایحه مربوط به حق چاپ (۶۱/۴۰۴)، مواد اصلاحی متعدد، که آخرین آنها قبل از پایان سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید (۱۹۹۳/۴۱۸)
	خدمات فرهنگی وابسته به شهرداری
	لایحه مربوط به فعالیتهای فرهنگی شهرداریها ۱۹۹۲/۷۲۸ اصلاحی ۱۹۹۲/۱۶۸۱
اصلاحی ۱۹۹۶/۱۱۶۶	لایحه موزه‌ها (۱۹۹۲/۷۲۹)
اصلاحی ۱۹۹۴/۱۲۷۷، ۱۹۹۵/۱۴۶۰	لایحه تئاتر و گروههای ارکستر (۱۹۹۲/۷۳۰)
لایحه کتابخانه‌های عمومی (۱۹۹۸/۹۰۴)	لایحه کتابخانه‌های عمومی (۱۹۸۶/۲۳۵)، اصلاحی ۱۹۹۰/۱۳۴، ۱۹۹۲/۷۲۵
	آموزش بزرگسالان
لایحه مربوط به آموزش داوطلبانه بزرگسالان (۱۹۹۸/۶۳۲)، تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹	لایحه مربوط به سربسیدهای دولتی برای مراکز دوره‌های تحصیلی (۹۳/۱۲۱۵)
لایحه مربوط به آموزش داوطلبانه بزرگسالان (۱۹۹۸/۶۳۲)، تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹	لایحه سربسیدهای دولتی برای دبیرستانهای مربوط به رقص و موسیقی ملی (۹۳/۱۲۱۸)
لایحه مربوط به آموزش داوطلبانه بزرگسالان (۱۹۹۸/۶۳۲)، تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۸	لایحه مربوط به مراکز آموزش بزرگسالان (۱۹۹۲/۷۳۲)
تصویب‌نامه مربوط به آموزش داوطلبانه بزرگسالان (۱۹۹۸/۸۰۵)	تصویب‌نامه مربوط به مراکز آموزش بزرگسالان (۱۹۹۲/۱۳۱۳)
	آموزشهای هنری و تربیت هنرمندان
اصلاحی ۱۹۹۶/۹۴۳	لایحه مربوط به توسعه آموزش عالی (۱۹۸۶/۱۰۵۲) اصلاحی ۱۹۹۳/۱۲۰۷

لایحه مربوط به دانشگاه هنرها و طراحی (۱۹۷۳/۵۲) اصلاحی (۱۹۹۸/۱۰۵۹) لایحه دانشگاهها (۱۹۹۷/۶۴۵)	لایحه مربوط به آموزش مقدماتی رشته‌های هنری (۱۹۹۲/۴۲۴، اصلاحی ۱۹۹۲/۷۳۲) هنری (۱۹۹۸/۶۳۲) لایحه آموزش مقدماتی رشته‌های
لایحه مربوط به آکادمی [نقاشی] سیاه قلم (۱۹۷۹/۱۰۶۸) اصلاحی (۱۹۹۸/۱۰۵۹) لایحه دانشگاهها (۱۹۹۷/۶۴۵)	تصویب‌نامه مربوط به آموزشگاههای صنایع‌دستی و طراحی (۱۹۸۷/۴۹۵، چندین ماده اصلاحی بعد از سال ۱۹۸۷ به تصویب رسید که آخرین آنها ۱۹۹۲/۱۵۲۳ بود)
لایحه مربوط به آکادمی هنرهای زیبا (۱۹۸۵/۱۷۵) اصلاحی (۱۹۹۸/۱۰۵۹) لایحه دانشگاهها (۱۹۹۷/۶۴۵)	تصویب‌نامه مربوط به مدارس هنرهای تصویری و مطالعات رسانه‌ای (۱۹۸۹/۱۴۷، چندین ماده اصلاحی بعد از سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید که آخرین آنها ۱۹۹۲/۱۵۲۸ بود)
لایحه مربوط به دانشگاه نثار (۱۹۷۹/۸۷) اصلاحی (۱۹۹۸/۱۰۵۹) لایحه دانشگاهها (۱۹۹۷/۶۴۵)	لایحه مربوط به مدارس موسیقی و کنسرواتورها (۱۹۸۷/۴۰۷، ماده اصلاحی خاص ۱۹۹۲/۷۲۳) کنسرواتورها (۱۹۹۵/۵۱۶، اصلاحی ۱۹۹۵/۱۰۳۲، ۱۹۹۵/۱۲۳۵)
لایحه آموزش مقدماتی رشته‌های هنری (۱۹۹۲/۴۲۴، اصلاحی ۱۹۹۲/۷۳۲) هنری (۱۹۹۸/۶۳۲) لایحه آموزش مقدماتی رشته‌های	پخش خبر، فیلم، رسانه‌های همگانی، صنایع فرهنگی
تصویب‌نامه مربوط به آموزشگاههای صنایع‌دستی و طراحی (۱۹۸۷/۴۹۵، چندین ماده اصلاحی بعد از سال ۱۹۸۷ به تصویب رسید که آخرین آنها ۱۹۹۲/۱۵۲۳ بود)	لایحه مربوط به رادیو (۱۹۸۸/۵۱۷، اصلاحی ۱۹۹۲/۶۷۷، ۱۹۹۰/۶۶۲، ۱۹۸۸/۱۲۷۰)
تصویب‌نامه مربوط به مدارس هنرهای تصویری و مطالعات رسانه‌ای (۱۹۸۹/۱۴۷، چندین ماده اصلاحی بعد از سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید که آخرین آنها ۱۹۹۲/۱۵۲۸ بود)	
تصویب‌نامه مربوط به مدارس موسیقی و کنسرواتورها (۱۹۸۷/۴۰۷، ماده اصلاحی خاص ۱۹۹۲/۷۲۳) کنسرواتورها (۱۹۹۵/۵۱۶، اصلاحی ۱۹۹۵/۱۰۳۲، ۱۹۹۵/۱۲۳۵)	

	تصویب‌نامه مربوط به رادیو (۱۹۹۲/۸۶۹)
اصلاحی ۱۹۹۸/۷۴۶ (تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹)	لایحه مربوط به بنگاه خبری فنلاند (۱۹۹۳/۱۳۸۰)
لایحه مربوط به فعالیتهای رادیو و تلویزیون ۱۹۹۸/۷۴۴ (تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹)	لایحه مربوط به امواج رادیویی (۱۹۸۷/۳۰۷)، اصلاحی ۱۹۸۸/۱۲۶۹، ۱۹۹۲/۱۲۱۳
اصلاحی ۱۹۹۵/۶۶۰، ۱۹۹۸/۷۴۴ (تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹)	لایحه مربوط به طرحهای رادیویی (۱۹۲۷/۸)، اصلاحی ۱۹۵۹/۴۰۵، ۱۹۷۷/۸۸، ۱۹۸۸/۲۵۰، ۱۹۹۰/۸۱۳
تصویب‌نامه مربوط به فعالیتهای رادیویی و تلویزیونی	تصویب‌نامه مربوط به طرحهای رادیویی (۱۹۹۲/۸۵۹)
	لایحه مربوط به بودجه رادیو و تلویزیون (۱۹۹۸/۷۴۵)، تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹
اصلاحی ۱۹۹۵/۴۰۵، ۱۹۹۵/۶۵۸، ۱۹۹۶/۳۴۳	لایحه مربوط به ارتباطات دور برد ملی (۱۹۸۷/۱۸۳)
لایحه مربوط به بازار ارتباطات دور برد ۱۹۹۷/۳۹۶، ماده اصلاحی ۱۹۹۸/۵۹۶، تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹	اصلاحی ۱۹۸۸/۵۱۹، ۱۹۹۰/۶۶۱، ۱۹۹۲/۶۷۶
	لایحه مربوط به سانسور فیلم (۱۹۶۵/۲۹۹)، اصلاحی ۱۹۸۷/۲۶۶
ماده اصلاحی ۱۹۹۸/۵۹۰ (تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹)	لایحه مربوط به آیین دادرسی سانسور فیلم (۱۹۶۵/۳۰۰)، اصلاحی ۱۹۸۷/۲۶۷
ماده اصلاحی ۱۹۹۸/۵۸۹ (تأکید در اول ژانویه ۱۹۹۹)	لایحه مربوط به بازرسی برنامه‌های ویدئویی و سایر برنامه‌های دیداری - شنیداری (۱۹۸۷/۶۹۷)

میراث فرهنگی	
لایحه موزه‌ها (۱۹۹۲/۷۲۹)	اصلاحی ۱۹۹۵/۱۴۵۹، ۱۹۹۶/۱۱۶۶
لایحه مربوط به آثار باستانی (۱۹۶۳/۲۹۵)	اصلاحی ۱۹۹۵/۶۸، ۱۹۹۵/۵۶۳، ۱۹۹۵/۷۰۲، ۱۹۹۶/۷۹۸
لایحه مربوط به ساختمان‌سازی (۱۹۵۸/۸۷۰) چندین ماده اصلاحی در فاصله سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۵۸ در فاصله سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ به تصویب رسید. لایحه مربوط به برنامه‌ریزی فیزیکی و طراحی ساختمان (۱۹۹۹/۱۳۲)	چندین ماده اصلاحی در فاصله سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ به تصویب رسید. لایحه مربوط به برنامه‌ریزی فیزیکی و طراحی ساختمان (۱۹۹۹/۱۳۲)
لایحه مربوط به حفاظت از بناها (۱۹۸۵/۶۰)، اصلاحی ۱۹۹۳/۱۱۵۲	اصلاحی ۱۹۹۵/۷۳، ۱۹۹۵/۷۰۳
لایحه مربوط به مجوز صدور اشیاء با ارزش فرهنگی (۱۹۷۸/۴۴۵)، اصلاحی ۱۹۹۰/۸۳۲	اصلاحی ۱۹۹۹/۱۱۵
لایحه مربوط به اداره «Soumenlinna» (۱۹۸۸/۱۱۴۵)	
همکاری فرهنگی در سطح بین‌المللی	
تصویب‌نامه مربوط به منشور یونسکو (۱۹۵۶/۵۴۹) اصلاحی (۱۹۶۷/۴۲۶)	
تصویب‌نامه کمیته ملی یونسکو (۱۹۶۶/۱۶۳)، اصلاحی (۱۹۹۲/۱۱۶۸)	
تصویب‌نامه مربوط به قانون میراثی اروپا (۱۹۸۹/۴۱۰)	
تصویب‌نامه مربوط به پیمان‌نامه فرهنگی اروپا (۱۹۷۰/۹۸)	
تصویب‌نامه مربوط به پیمان Nordic (وابسته به سوئد و نروژ و دانمارک و فنلاند (۱۹۷۱/۹۰۹)	اصلاحی ۱۹۹۵/۹۷۵، ۱۹۹۵/۱۷۲۶، ۱۹۹۶/۸۸۸
فانون مربوط به شورای ساموایی‌ها (۱۹۹۰/۹۸۸)	اصلاحی ۱۹۹۴/۱۵۳۴

الف - قوانین و احکام، نقش وزارت آموزش و فرهنگ و پیشنهادات تنظیمی آنها، نیز نقش مجموعه‌هایی با بازوان گشوده (به‌ویژه شورای هنرهای فنلاند) در سیاست‌گذاریها و اجرای آنها و وظایف و مسؤولیتهای مؤسسات ملی فرهنگی - که به عنوان نمایندگیهای دولتی سازمان‌یافته و تأمین بودجه می‌گردند - را نشان می‌دهد.

ب - قوانین و احکام، مسؤولیت دولت را در مورد کمک به مؤسسات هنری (گروههای ارکستر و تئاتر) و سازمانهای خدمات فرهنگی (موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز آموزش بزرگسالان، مدارس موسیقی و آموزش هنر) و فعالیتهای غیرسازمان‌یافته نشان می‌دهند. در کنار مؤسسات به اصطلاح ملی، این شبکه و فعالیتهای معمولاً به واسطه شهرداریها سازمان‌دهی، حفاظت و تأمین بودجه می‌شوند.

۲-۵- چارچوبهای قانونی برای هنرمندان

هیچگونه چارچوب قانونی ویژه‌ای برای هنرمندان وجود ندارد؛ هرچند که لایحه تشویق هنرها (۱۹۶۷) سیستم قانونی کمکهای دولتی به هنرمندان را ایجاد نمود. در این سیستم، سالانه ۱۱۲ اعانه یک ساله، ۴۱ اعانه سه ساله و ۲۲ اعانه ۵ ساله به هنرمندان اعطا می‌شود. همچنین هر سال از جانب رئیس جمهور فنلاند به یازده نفر از هنرمندان برجسته مقام استادی اعطا می‌گردد.

۲-۵-۱- امنیت اجتماعی / روابط شغلی

همچنانکه قابل تصور است، در فنلاند قوانین و احکامی وجود دارد که مسؤولیت دولت را در مورد حمایت از هنر و هنرمندان مشخص می‌کند (سیستم اعطای کمکهای مالی به هنرمندان و پرداخت غرامت به آنان، قانون مربوط به حقوق

بازنشستگی و مستمری هنرمندان مستقل به عنوان بخشی از سیستم بازنشستگی و مستمری‌بگیران) این قوانین و احکام شامل سیستم بازنشستگی و مستمری ویژه هنرمندان است که به واسطه وزارت دارایی و وزارت آموزش اجرا می‌گردد. در درون سیستم کلی قراردادهای، در مؤسساتی که به کارهای هنری می‌پردازند (تئاتر، گروه‌های ارکستر) قراردادهای شغلی از ویژگیهای خاص خود برخوردارند، اما این قراردادها نیز به‌طور فزاینده‌ای در جهت سازگاری با سیستم کلی پیش می‌روند.

۵-۲-۲- مالیاتها

هنرمندان در مقام حقوق‌بگیران تابع قانون رسمی مالیات بر درآمد هستند، در مقام مؤسسين شرکت‌ها تابع مالیات شرکتها ((مالیات بر) درآمد، VAT و غیره) هستند و در مقام اهل فن (نویسندگان، هنرمندان [هنرهای] بصری) از تخفیف ویژه مالیاتی برخوردارند و نیز حق آن را دارند که مالیات [بر درآمد] خود را در طول سالهای متمادی سرشکن کنند (براساس درآمد متوسط)

۵-۳- صنایع فرهنگی / فیلم / تلویزیون

در سال ۱۹۷۱ قیمت ثابت کتابها منسوخ شد. در مورد نرخ VAT برای کتابها کاهشی وجود داشته است این نرخ از ۲۲٪ به ۱۲٪ کاهش یافته است.

۵-۳-۱- سهمیه‌ها

قانون فنلاند از تلویزیون مستقیم اروپای بدون مرز تبعیت می‌کند، یعنی ۵۰٪ برنامه‌های تلویزیون باید مبداء اروپایی داشته باشند. شرکت خبری فنلاند (FBC) در جهت تأمین این شرایط عمل می‌کند، اما شرکتهای تلویزیونی خصوصی همواره در این راستا نیستند.

۵-۳-۲. قوانین مربوط به زبان

FBC (شرکت خبری فنلاند) برای پخش خبر به زبان سوئدی، سهم معینی قائل است. کانال اول برای برنامه‌های تلویزیونی به زبان سوئدی سهم ویژه‌ای را اختصاص می‌دهد و **FBC** کانال رادیویی به زبان سوئدی دارد.

۵-۴. مواد اصلاحی مربوط به حق چاپ

در این حوزه، سیستم مربوط به حق چاپ و مناطق مرزی با خطوط سیاست اروپا مطابقت دارد. تعدیل‌ها و مواد اصلاحی مربوط را در جدول شماره ۱ بخش ۵ ببینید.

۵-۵. میراث و اموال فرهنگی

جدول شماره ۱ در بخش ۵ را نگاه کنید. این جدول نشان‌دهنده قوانین و احکامی است که مسئولیت‌های مربوط به حفظ، حراست و عرضه میراث فرهنگی و نیز بودجه عمومی میراث [فرهنگی] و موزه‌ها را نشان می‌دهد.

۵-۶. محرکهای قانونی برای مشارکتهای دولتی - خصوصی

در فنلاند هیچگونه محرک قانونی برای مشارکتهای دولتی - خصوصی وجود ندارد.

۶- تأمین بودجه فرهنگی

۶-۱. نگاهی اجمالی

جدول شماره ۲ در بخش ۳-۶ نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۳ هزینه دولت مرکزی در مورد فرهنگ قدری کاهش یافته است. در هزینه شهرداریها نیز اندکی کاهش وجود داشته است. سهم هزینه فرهنگی دولت از کل هزینه‌های دولت از یک

درصد در سال ۱۹۹۲ به ۰/۸ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش یافت. سهم هزینه فرهنگی شهرداری از کل هزینه‌های شهرداری از ۱/۳ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۱/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ تقلیل یافت. کل سهم هزینه عمومی GDP از ۰/۷ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۰/۵۰ درصد در سال ۱۹۹۷ رسید. در سال ۱۹۹۷ سهم دولت از هزینه‌های عمومی در بخش فرهنگ ۴۹ درصد و سهم شهرداریها ۵۱ درصد بود. در جدول شماره ۳ در بخش ۴-۶ گرایش دیگری را می‌توان یافت که در بودجه دولتی مربوط به هنرها و زندگی فرهنگی در حال شکل‌گیری است. در سال ۱۹۹۲، ۴۴ درصد این بودجه را درآمدهای حاصل از لاتاری تشکیل می‌داد. سهم این درآمدها در سال ۱۹۹۸ به ۶۹ درصد رسید و در سال ۱۹۹۹ به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید. در ابتدا این درآمدها برای اهداف خاص و پیش‌بینی نشده در نظر گرفته می‌شد. به این ترتیب بودجه دولتی هرچه بیشتر به تمایل مردم به شرط‌بندی و قمار بستگی می‌یابد. در سال ۱۹۹۹ تنها ۳۰ درصد بودجه دولتی از محل مالیاتها تأمین گردید.

۲-۶- هزینه سرانه فرهنگی

هزینه سرانه فرهنگی در سال ۱۹۹۸، ۶۲۱ FIM بود. همچنانکه جدول شماره ۲ در بخش ۳-۶ نشان می‌دهد سهم هزینه عمومی فرهنگی در GDP در سال ۱۹۹۸ به ۰/۵ درصد رسید.

۳-۶- هزینه عمومی فرهنگ برحسب سطوح [مختلف] دولتی

در فنلاند هیچگونه سطح مستقل منطقه‌ای وجود ندارد. مؤسسات و پروژه‌های فرهنگی منطقه‌ای یا توسط دولت، یا توسط شهرداریها و یا مشترکاً توسط هر دو (مثلاً در مورد موزه‌ها، تئاترها و کتابخانه‌های منطقه‌ای) تأمین اعتبار می‌شوند. در سال ۱۹۹۷، سهم دولت ۴۹ درصد و سهم شهرداریها ۵۱ درصد بود.

جدول ۲: هزینه های عمومی و هزینه های عمومی فرهنگی (بر حسب بلیون FIM به ارزش جاری) در فنلاند در سال های ۱۹۹۲-۱۹۹۷

۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	هزینه های عمومی بر حسب ردیف دولت
۱۸۷/۴	۱۹۹/۴	۱۹۸/۳	۱۹۶/۸	۲۰۲/۲	۱۸۶/۲	۱- هزینه حکومت مرکزی (دولت)، [هزینه] کل
۱۳۸/۴	۱۳۷/۵	۱۳۳/۷	۱۲۴/۶	۱۲۳/۲	۱۲۷/۷	۲- مجموع هزینه شهرداریها، [هزینه] کل
۳۰/۱	۳۳/۲	۳۹/۵	۴۰/۴	۴۲/۷	۴۳/۰	۳- کمک واگذار شده از طرف دولت به شهرداری و سایر خدمات و فعالیتهای عمومی در سطح منطقه ای و محلی
۲۶/۷	۳۲/۹	۳۵/۴	۳۵/۲	۳۷/۵	۴۰/۱	۴- کمکهای واگذار شده از طرف دولت که براساس گزارش های شهرداری دریافت و در خدمات و فعالیتهای عمومی مورد استفاده قرار گرفته است.
۲۹۵/۷	۳۰۳/۷	۲۹۲/۵	۲۸۱/۰	۲۸۲/۷	۲۷۰/۹	۵- هزینه عمومی (دولت و شهرداری)، [هزینه] کل (جمع ردیف ۱ و ۲ و ۳)
(۱/۶۸) * ۱/۵۷	۱/۵۳	۱/۵۰	۱/۵۸	۱/۷۰	۱/۸۳	۶- هزینه حکومت مرکزی (دولت) در مورد هنرها و فرهنگ
۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۹۳	۰/۹۷	۱/۰۱	۰/۹۴	۷- کمکهای واگذار شده از طرف دولت برای کمک به مؤسسات و فعالیتهای فرهنگی شهرداری ***
۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۲	۸- کمکهای واگذار شده (از طرف دولت) و مصرف شده در بخش خدمات فرهنگی براساس گزارشهای شهرداری و دریافت کنندگان کمکها
۱/۶۱	۱/۶۰	۱/۴۲	۱/۳۰	۱/۳۶	۱/۶۷	۹- هزینه شهرداری در مورد هنرها و فرهنگ (کمکهای دولت را شامل نمی شود)

۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	هزینه های عمومی بر حسب ردیف دولت
۳/۱۸	۳/۱۳	۲/۹۲	۲/۸۸	۳/۰۶	۳/۵	۱۰- کل هزینه عمومی (دولت و شهرداریها) در مورد هنرها و فرهنگ (جمع موارد ۶ و ۹)
۰/۸۲	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۸۴	۱/۰۰	۱۱- سهم هزینه فرهنگی دولت به کل هزینه های دولت (مورد ۶) به صورت درصد
۱/۱۶	۱/۱۶	۱/۰۶	۱/۰۴	۱/۱۰	۱/۳۱	۱۲- سهم هزینه فرهنگی شهرداری در کل هزینه های شهرداری (مورد ۹) به صورت درصد
۱/۰۸	۱/۰۳	۱/۰۰	۱/۰۲	۱/۰۸	۱/۳۰	۱۳- سهم کل هزینه های عمومی فرهنگی به کل هزینه های عمومی (مورد ۱۰) به صورت درصد
۴۹/۴	۴۸/۹	۵۱/۴	۴۵/۹	۵۵/۶	۵۲/۳	۱۴- هزینه فرهنگی دولت به کل هزینه های فرهنگی عمومی (مورد ۶) به صورت درصد
۶۳۰/۲	۵۸۷/۴	۵۶۱/۲	۵۲۱/۱	۴۹۲/۷	۴۸۶/۸	۱۵- GDP به ارزش جاری
۰/۵۰	۰/۵۳	۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۶۲	۰/۷۲	۱۶- سهم کل هزینه های فرهنگی GDP (مورد ۱۰) به صورت درصد

* رقم بالاتر به نسبت ۱/۶۹ دربرگیرنده مورد اتفاقی است: عطف به پرداخت کسری بازنشستگی (جمع شده) ارکستر ملی (۱۱۶ میلیون FIM)

** تمام این مبلغ به مؤسسات منفرد واگذار نمی شود؛ مقداری از آن صرف هزینه های گروهی این بخش - شامل کتابخانه ها، تئاتر، گروه های ارکستر، موزه ها و حمایت از فعالیتهای شهروندان و نهیلات چند منظوره - می گردد.

۴-۶- [هزینه‌ها] به تفکیک رشته‌های فعالیت

جدول ۳: هزینه‌های دولت در مورد هنرها و فرهنگ در سال
۹۸-۱۹۹۵ (برحسب هزار FIM، نسبت‌ها و ارقام براساس
گزارش‌های نهایی تنظیم شده است)

۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	
۲۶۵۸۱۰۰	۲۶۱۸۸۰۰	۲۶۶۳۵۰۰	۲۷۲۰۲۰۰	۲۷۱۰۷۰۰	وزارت آموزش - [هزینه] کل درصد سهم مربوط به بودجه دولت
۱۳/۹	۱۴/۰	۱۳/۴	۱۳/۷	۱۳/۸	
۱۶۳۷۵۴۰	۱۶۸۸۲۷۹	۱۵۳۱۵۳۱	۱۴۹۸۳۸۶	۱۵۸۲۸۸۹	هزینه‌های فرهنگی، [هزینه] کل درصد سهم مربوط به درآمدهای حاصل از لاتاری ملی (Veikkans oy)*
۶۹	۶۰	۵۶	۵۲	۴۴	
۲۶۲۶۳۹	۳۰۱۲۲۲	۲۷۹۳۷۵	۲۵۰۸۵۹	۲۶۷۳۵۵	مؤسسات بزرگ فرهنگی در سطح ملی
۱۳۴۵۰۰	۱۳۶۷۰۰	۱۳۳۷۰۰	۱۲۲۲۰۰	۱۲۹۷۰۰	اپرای ملی فنلاند
۳۸۹۰۰	۳۸۰۰۰	۳۷۳۰۰	۳۸۰۰۰	۳۸۴۰۰	تثاثر ملی فنلاند
۴۷۹۲۰	۲۷۰۳۵	۲۳۸۳۷	۲۲۹۰۷	۳۱۶۷۳	گالری ملی فنلاند (FNG)
۱۴۵۰۰	۲۶۵۰۰	۸۵۰۰	۲۰۰۰	۵۰۰۰	[پرداخت] به FNG برای سرمایه گذاری در ساخت، تسهیلات و غیره
۷۰۰۱۹	۶۵۸۳۷	۶۴۹۶۶	۶۱۱۰۷	۵۳۰۱۰	دایره ملی آثار باستانی و پیشینه‌ها (NBA)
۳۸۹۰۰	۱۷۱۵۰	۱۱۰۷۳	۷۹۴۵	۹۵۷۲	[پرداخت] به NAB برای سرمایه گذاری در ساخت، تسهیلات و غیره
۱۳۸۳۹۱	۱۳۰۴۴۶	۱۲۲۵۱۷	۱۲۰۵۹۷	۱۱۲۵۱۰	سایر نمایندگیها و واحدهای دولتی
۵۶۲۴۰	۵۴۲۴۰	۴۷۵۹۰	۵۰۸۶۰	۴۸۱۱۰	بنیاد فیلم فنلاند
۲۷۶۳۷	۲۶۲۷۰	۲۵۷۲۵	۲۲۶۵۹	۱۸۶۲۷	مدیریت تشکیلات Suomenlinna
۲۴۵۹۰	۲۲۰۱۸	۲۱۹۰۵	۱۹۲۸۲	۱۸۹۱۰	کتابخانه ناینبایان
۱۳۷۳۳	۱۲۷۹۲	۱۲۵۰۴	۱۲۸۷۵	۱۱۸۲۹	آرشیو فیلم فنلاند

ادامه جدول ۳

۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	
۲۷۶۰	۲۶۷۸	۲۶۵۲	۲۶۴۰	۲۸۰۶	دایره دولتی سانسور فیلم
۱۳۴۳۱	۱۲۴۴۸	۱۲۱۴۱	۱۲۳۸۱	۱۲۲۱۹	شورای هنرهای فنلاند (هزینه عملیات)
۸۶۱۴۸۷	۸۷۲۲۹۱	۸۹۴۳۰۲	۹۲۷۶۳۸	۹۵۴۹۱۷	سویسیدهای دولت به شهرداریها
۵۰۴۰۴۴	۵۲۷۸۱۷۵	۵۵۰۲۰۹	۵۹۵۴۳۹	۶۱۳۰۰۰	کتابخانه های عمومی
۹۵۱۷۵	۹۱۳۸۱	۸۹۰۲۱	۸۵۷۸۸	۸۷۶۴۳	موزه ها
۲۲۴۵۰۵	۲۱۶۶۴۶	۲۱۰۸۴۶	۱۹۹۸۹۵	۲۰۶۶۹۳	تئاترها و گروه های ارکستر
۳۷۷۶۳	۳۶۳۸۹	۴۴۲۲۶	۴۶۵۱۶	۴۷۵۸۱	فعالتهای غیر سازمان یافته شهرداری **
۸۱۳۲۱	۷۵۰۲۴	۶۹۹۴۰	۷۰۵۴۵	۷۰۹۷۳	کمک به هنرمندان و پرداخت غرامت به آنان
۴۱۰۴۴	۳۷۴۶۵	۳۶۰۷۴	۳۵۵۲۶	۳۴۹۵۸	- کمک به هنرمندان (در سطح ملی)
۲۱۹۹۵	۲۰۹۳۳	۲۰۲۴۰	۲۰۹۴۹	۲۱۳۸۸	- حمایت منطقه ای از هنرها و هنرمندان
۱۳۳۰۰	۱۳۶۲۶	۱۳۶۲۶	۱۴۰۷۰	۱۴۶۲۷	- پرداخت غرامت به نویسندگان توسط کتابخانه ها
۴۹۸۲	۳۰۰۰	-	-	-	- پرداخت غرامت به هنرمندان هنرهای نمایشی
۲۱۱۷۰۲	۱۹۳۲۹۶	۱۶۵۳۹۶	۱۲۶۲۶۵	۱۷۷۱۳۴	- موارد خاص و پیش بینی نشده مربوط به حمایت از هنرها و فرهنگ

* شرکت دولتی که در زمینه لوئری ملی، مسابقات فوتبال و شرط بندیهای ورزشی فعالیت دارد.

** مبلغ ۱۱۶ میلیون FIM مربوط به پرداخت کسری بازنشستگی (جمع شده) ابرای ملی را شامل نمی شود.

شماره ۴ قابل مشاهده است ۷۵ درصد سویسیدهای دولتی کم و بیش به طور اتوماتیک صرف مؤسسات فرهنگی ملی، منطقه ای و محلی می گردد. صنایع فرهنگی (فقط سینما از حمایت عمومی برخوردار است) ۳/۴ درصد و هنرمندان منفرد، به طور اتوماتیک ۴/۹ درصد از بودجه دولت را - در قالب اعانات و جبران

خسارت - به خود اختصاص می دهند. باقیمانده بودجه (۱۷ درصد) برای موارد خاص و پیش بینی نشده در نظر گرفته می شود که بیشتر این مبلغ صرف تأمین بودجه فستیوال های هنری، انجمن های فرهنگی و نمایشگاه ها و غیره می گردد.

جدول ۴: هزینه های دولت در بخش هنر بر حسب شکل هنر در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ (به میلیون FIM به ارزش جاری)

شکل هنر	حمایت مستقیم از هنرمندان (اعطای وام، جایزه، پروژه ها) ^(۱)		اضافه بر ستون قبل: پرداخت هزینه های جاری مؤسسات ^(۲) و حمایت ویژه از سازمانها، رویدادها و غیره		اضافه بر دو ستون قبل: پرداخت هزینه های جاری موزه های هنری و آموزش عمومی هنر و موسیقی	
	۱۹۹۴	۱۹۹۷	۱۹۹۴	۱۹۹۷	۱۹۹۴	۱۹۹۷
هنرهای دیداری	۱۴/۸	۱۶/۴	۲۵/۷	۲۷/۵	۸۷/۴	۱۰۶/۷
هنر صنعتی و طراحی	۴/۳	۴/۲	۹/۰	۸/۰	۳۳۸/۷	۳۷/۲
موسیقی	۸/۵	۷/۷	۲۱۹/۹	۳۳۳/۴ ^(۳)	۳۹۲/۰	۵۹۵/۱ ^(۴)
تئاتر	۵/۴	۴/۸	۲۰۸/۶	۲۰۹/۸	۲۱۱/۱	۲۱۱/۹
رقص	۲/۸	۲/۸	۷/۱ ^(۴)	۷/۰ ^(۲)	۷/۷	۷/۰
ادبیات، ترجمه	۲۵/۶	۲۳/۹	۳۵/۰	۳۱/۶	۳۵/۹	۳۱/۶
سینما	۲/۴	۲/۷	۸۰/۴	۷۹/۳	۸۰/۵	۸۱/۲
عکس	۳/۰	۳/۱	۴/۹	۴/۵	۷/۸	۷/۲
معماری ^(۵)	۱/۲	۱/۳	۳/۲	۲/۷	۱۰/۱	۱۱/۰
سایر (آموزش هنرهای چندسویه و هنرهای همگانی)	۰/۹	۱/۰			۱۲/۰	۳۵/۰
جمع	۶۸/۳	۶۷/۹	۵۹۳/۸۲	۷۰۳/۶۶	۸۹۵/۹۰	۱۱۲۳/۹۰

- (۱) بازنشستگی هنرمندان را شامل نمی‌شود.
- (۲) هزینه‌های جاری مربوط به مؤسسات ملی هنری و سوبسیدهای قانونی دولت به تئاتر و گروه‌های ارکستر.
- (۳) شامل مبلغ ویژه ۱۱۶ میلیون FIM بابت پرداخت کسری بازنشستگی اپرای ملی.
- (۴) کمک قانونی به تالارهای رقص در هزینه‌های تئاتر منظور شده است.
- (۵) هزینه حفاظت از بناهای باستانی (ساختمانهایی که ارزش تاریخی دارند) از محل بودجه وزارت آموزش تأمین می‌گردد.

۷- مؤسسات فرهنگی و مشارکتهای جدید

۷-۱- واگذاری ثانوی مسؤلیتهای عمومی

در بخش عمومی گرایش مشخصی به سمت زدودن سوسیالیسم دولتی بوجود آمده است. بنیادها و شرکت‌ها نقش مهمی را در تأمین بودجه هنری به عهده دارند. اما این امر به جهت واگذاری ثانوی مسؤلیتها و اقدامات مربوط به سیاست‌گذاری نیست. بلکه به خاطر رکود یا کاهش در بودجه عمومی است. مؤسسات باید در جستجوی بودجه فوق‌العاده باشند و هنرمندان منفرد باید بودجه مربوط به اجرای پروژه‌های خود را از محل‌های دیگر تأمین نمایند.

۷-۲- پایگاه / نقش و توسعه مؤسسات بزرگ فرهنگی

بودجه مؤسسات فرهنگی قسمت اعظم هزینه‌های دولت در بخش هنرها و فرهنگ را به خود اختصاص می‌دهد. اما این مؤسسات بازهم مجبورند به منظور تأمین هزینه‌های رو به تزاید خود، در جستجوی مشارکتهای جدید از بخش خصوصی باشند. مثلاً اپرای ملی و موزه هنرهای مدرن قراردادهای حمایتی جدید و جالب توجهی با بخش خصوصی منعقد نموده‌اند. بنیادها نقش بسیار پراهمیتی را در تأمین بودجه هنرمندان منفرد و پروژه‌های آنان به عهده می‌گیرند و کمکهایی که

آنها به هنرمندان اعطا می‌کنند، همان اهمیتی را دارد که کمک‌های شورای هنرهای فنلاند.

۷-۳. مشارکتها یا همکاریهای جدید

از طرف وزارت دارایی و وزارت آموزش و فرهنگ، گروهی تعیین شده‌اند تا نظامنامه اجرایی حمایت بخش خصوصی از هنرها و همکاریهای دولتی - خصوصی در حوزه فرهنگ را تهیه نمایند.

۸. حمایت از خلاقیت

۸-۱. حمایت مستقیم و غیرمستقیم

در سیاست فرهنگی فنلاند، تشویق خلاقیت هنری نقش محوری را به عهده دارد. سیاستهایی که در راستای تشویق خلاقیت هنری، در سطح ملی، هستند عمدتاً بر حمایت مستقیم دولت از هنرمندان حرفه‌ای استوارند. سیستم کمک‌های دولت به هنرمندان در شورای هنرها از مجرای ۹ هنر تشکیل‌دهنده شوراهای و ۱۳ شورای هنرهای منطقه‌ای اداره می‌شود.

تمام این اعانات را می‌توان در چهارچوب حمایت غیرمستقیم از هنرمندان به حساب آورد. این اعانات تنها پاسخگوی نیازهای زیستی هنرمندان است و به‌طور سیستماتیک هیچیک از نیازهای حرفه‌ای آنان - انگیزه‌های خلاقیت، معافیت از مالیات، مسکن، کارگاههای هنری، جوایز، پاداش‌ها و غیره - را برآورده نمی‌سازد.

با وجود این در چهارچوب همکاریهای فرهنگی فنلاند در سطح بین‌المللی (۱۹۹۰-۹۶) که بودجه آن از طرف وزارت فرهنگ تأمین شد، برخی اشکال فعالیتهای فرهنگی - که عمدتاً هنرمندان در آنها شرکت داشتند - مورد حمایت قرار گرفتند. این فعالیتهای عبارت بودند از: اجراهای [کشور] میهمان / تئاتر، موسیقی (۱۸/۴۱ درصد از کل فعالیتهای)، فستیوال‌ها و مسابقات (۱۴/۷۳ درصد)، فیلم

(۲/۷۶ درصد)، ویدئو (۰/۴۲ درصد)، نمایشگاهها (۱۸/۴۹ درصد)، پیشرفت حرفه‌ای و کسب تخصص (۰/۲۵ درصد) سفرهای مطالعاتی و اقامت‌های طولانی (۵/۴۴ درصد). به‌هرحال این نوع حمایت‌ها تنها شمار اندکی از هنرمندان را دربرمی‌گیرد.

۸-۱-۱- طرح‌های ویژه حمایت از هنرمندان

سیستم کمک‌های دولت به هنرمندان، سیستم جبران خسارت [نویسندگان] توسط کتابخانه‌ها و جبران خسارت‌ها در بخش هنرهای بصری را در بخش ۸-۱-۳ ببینید.

۸-۱-۲- وضعیت قوانین مربوط به هنرمندان و نوآوری‌های متناسب با آن در سیاست‌گذاریها

در فنلاند در مورد قوانین مربوط به هنرمندان وضعیت ویژه‌ای حاکم نیست.

۸-۱-۳- کمک‌ها یا سایر طرح‌های مربوط به هنرمندان

- کمک‌های مربوط به هنرمندان (اعانات یکساله، اعانات سه ساله و اعانات پنج ساله، رویهم‌رفته [سالانه] ۲۱۱ اعانه از طرف شورای هنرهای فنلاند به هنرمندان منفرد اعطا می‌گردد)

- کمک‌های مربوط به پروژه‌ها: از طرف شورای هنرهای فنلاند در حدود ۲۰۰ اعانه پروژه‌ای به هنرمندان منفرد - یا گروهی - برای اجرای پروژه‌هایشان اعطا می‌گردد.

- مستمری‌های تکمیلی هنرمندان: سالانه ۳۵ مستمری تکمیلی به هنرمندان داده می‌شود. در حال حاضر در حدود ۱۰۰۰ هنرمند از این مستمری تکمیلی استفاده می‌کنند. مجوز پرداخت این مستمریها براساس توصیه شورای هنرهای فنلاند، از طرف وزارت آموزش و هنر صادر می‌گردد و وزارت آموزش آنها را پرداخت می‌کند.

- کمک به نویسندگان نمایشنامه‌ها: شورای ملی تئاتر، سالانه این کمک‌ها را به نویسندگانی اعطا می‌کند که نمایشنامه آنها در سال قبل جزء برترها بوده‌اند.

- کمک‌های مالی مسافرتی و اقامت هنرمندان: شورای هنرها سالانه کمک‌های مسافرتی به هنرمندان اختصاص می‌دهد، همچنین برای اقامت آنان [در مدت سفر] کمک‌هایی را تخصیص می‌دهد.

- کمک‌های مربوط به پرداخت غرامت [به نویسندگان] از طرف کتابخانه‌ها: جبران خسارت [نویسندگان] مبتنی بر حقوق امانت‌دهندگان [کالاهای فرهنگی] عمومی است، اما در واقع یک سیستم کمک به نویسندگان و مترجمان وجود دارد که در ازای استفاده آزاد از آثار آنان در کتابخانه‌های عمومی به آنان غرامت می‌پردازد. وزارت آموزش و فرهنگ سالانه ۱۰ درصد مبلغی را که برای خرید کتاب توسط کتابخانه‌ها تخصیص می‌یابد، برای این منظور اعطا می‌کند. در مجموع در سال ۱۹۹۸، ۱۴ میلیون FIM به نویسندگان قصه‌ها اختصاص یافت.

- جبران خسارت هنرمندان هنرهای بصری: این کمک‌ها بر پایه این تفکر استوار است که در ازای آثار هنری‌ای که مالکیت و نمایش آن در اختیار اولیای امور عمومی و مؤسسات قرار می‌گیرد باید غرامتی به پدیدآورندگان این هنرها پرداخت گردد. در سال ۱۹۹۸ این مبلغ بالغ بر ۵ میلیون FIM بود.

۲-۸- گرایشهای مشارکت

همچنانکه ارقام زیر نشان می‌دهد از آغاز دهه ۱۹۸۰ عده استفاده‌کنندگان از تئاتر و سینما سیر نزولی داشته است. از سوی دیگر شمار امانت‌گیرندگان کتاب و بازدیدکنندگان موزه‌ها نیز کاهش یافته است. عده افرادی که به تالارهای اپرا و رقص می‌روند، در این مدت افزایش یافته است (تالار جدید اپرا، افزایش تعداد صندلیها، نامهای بزرگ، شمار زیاد گروههای جدید رقص مدرن). میزان فروش کتاب و نوار نیز افزایش را نشان می‌دهد.

۸-۲-۱. شمار مخاطبین / آمار مصرف‌کنندگان برحسب رشته

جدول ۵: شمار مخاطبین برحسب بخش ۱۹۸۰-۱۹۹۷

تئاترها
در سال ۱۹۸۱، ۲/۶ میلیون بلیط فروخته شد
در سال ۱۹۹۷، ۲/۲ میلیون بلیط فروخته شد
کنسرت‌های سمفونی
در سال ۱۹۹۷، یک میلیون بلیط فروخته شد
اپرا
در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ تعداد ۶۰۱۷۹ بلیط فروخته شد (برای هر اجرا ۴۲۱ بلیط)
در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ تعداد ۱۳۷۰۰۰ بلیط فروخته شد (برای هر اجرا ۱۰۹۷ بلیط)
کتابخانه‌ها
در سال ۱۹۸۷، ۲/۲ میلیون نفر از کتابخانه‌ها کتاب به امانت گرفتند (۴۴ درصد کل جمعیت)
در سال ۱۹۹۸، ۲/۵ میلیون نفر از کتابخانه‌ها کتاب به امانت گرفتند (۴۸ درصد کل جمعیت)
موزه‌ها (موزه‌هایی که به صورت حرفه‌ای اداره می‌شوند)
در سال ۱۹۹۳، ۳/۶ میلیون بازدید صورت گرفت
در سال ۱۹۹۷، ۴ میلیون بازدید صورت گرفت
سینما
در سال ۱۹۸۰، دفعات دیدن فیلم ۹/۹ میلیون بار بوده است (به ازای هر نفر ۳/۱ بار)
در سال ۱۹۹۸، دفعات دیدن فیلم ۶/۴ میلیون بار بوده است (به ازای هر نفر ۱/۲ بار)
فروش کتاب
در سال ۱۹۸۰، فروش کتاب بالغ بر ۲۳ میلیون نسخه بود
در سال ۱۹۹۷، فروش کتاب بالغ بر ۲۶ میلیون نسخه بود
فروش نوار
در سال ۱۹۸۰، ۱۰/۴ میلیون نوار به فروش رسید
در سال ۱۹۹۷، ۱۲ میلیون نوار به فروش رسید

۸-۳- نوآوری در برنامه ها و سیاست گذاریها به منظور تشویق مشارکت در زندگی فرهنگی

در بسیاری از مؤسسات فرهنگی، برنامه های آموزشی برای مخاطبین و افزایش همکاری بین مدارس و مؤسسات فرهنگی وجود دارد.

۸-۴- نقش انجمن های فرهنگی / هنرهای آماتور

در فنلاند صدها سازمان و انجمن فرهنگی مربوط به هنرمندان حرفه ای، هنرهای آماتور، مؤسسات فرهنگی، صنایع فرهنگی و غیره وجود دارد. این انجمن ها نقش اصلی را در توسعه زندگی فرهنگی فنلاند - در سطح ملی، منطقه ای و شهری - به عهده دارند.

انجمن های مربوط به هنرمندان حرفه ای و مؤسسات فرهنگی از وزارت آموزش و فرهنگ سوبسیدهای دولتی دریافت می کنند و در تنظیم سیاست گذاریهای مربوط به هنر و هنرمندان نقش مهمی را به عهده دارند. این مؤسسات در طرحهای پیشنهادی خود اعضای هنرهای ملی شوراها را معرفی می کنند. انجمن های هنرهای آماتور نیز از وزارتخانه یا شوراها محلی و شهری سوبسید دریافت می کنند.

دولت حداقل یا حداکثر در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی؟ تصدی‌گری یا نظارت؟ خلاقیت از رأس هرم قدرت (دولتمردان) یا پایه آن (شهروندان)؟ چگونگی حمایت از آثار هنری و خالقان آنها؟

مجموعه سیاستگذاری فرهنگی کشورهای جهان که نخستین شماره آن به کشور فنلاند اختصاص یافته است بر آن است تا با ارائه چشم‌اندازی همه‌جانبه، ساختاری و عینی پاسخ جوامع صاحب‌روش و تجربه در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی را به پرسشهایی از گونه فوق، روشن نماید.

مقایسه تجربیات دیگر کشورها با نگاهی نقادانه و نیز آشنایی با مدل‌های کارآمد، بی‌گمان، مدیران و سیاستگذاران فرهنگی کشورمان را در طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های جامع‌تر و خردگراتر یاری خواهد نمود.

